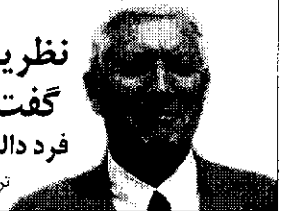


نظریه سیاسی و گفت و گوی تمدنی

فرد دالمایر
ترجمه امید ملکی



از خواب چهل، خواب زیست غیرانعکاسی و غیبت ذهن است. سوال ابتدایی فلسفه این است که ما باید چگونه زندگی کنیم؟ موضوع زندگی ما چیست؟ معنای خوبی و حقیقت چیست؟ اینها سوالات پیشینی فلسفه هستند. اگر این‌گونه باشد و به من اجازه دهید تا فقط آنچه را هست، فرض بگیرم، آن‌گاه این سوال مطرح می‌شود که نظریه سیاسی یا فلسفه سیاسی چیست؟ به نظر من نظریه سیاسی یا فلسفه سیاسی توجه به زیست انعکاسی در حوزه اجتماعی است. توجه محوری نظریه سیاسی یا فلسفه سیاسی همواره به این نکته معطوف بوده که ما چگونه می‌توانیم در کنار یکدیگر زندگی کنیم؟ به نظرم این هسته نظریه سیاسی است و پرسش‌های اولیه آن عبارتند از این که برای ما چگونه ممکن است که در کنار یکدیگر زیستی شایسته، عادلانه، بخردانه و انعکاسی داشته باشیم؟ یا چگونه می‌توانیم در کنار یکدیگر زیستی بدون تهدید، بدون خشونت و بدون فساد را تجربه کنیم؟ به عبارت دیگر، چگونه می‌توانیم با هم اخلاقی، عادلانه و صلح‌آمیز زندگی کنیم؟

اگر این‌گونه باشد که فلسفه در حال حاضر یک صدای بیداری‌بخش برای زیست انعکاسی و تفکر درباره زندگی متعارف باشد و همچنین اگر صدق این گزاره را بپذیریم که نظریه سیاسی و فلسفه سیاسی برای ما صدایی بیداری‌بخش برای تفکر درباره چگونگی با هم زیستن مان در اجتماع باشد، سوال کنونی ما این است که چگونه می‌توان آن را امروز به انجام رساند؟ نظریه سیاسی و فلسفه سیاسی در زمان ما که زمانه جهانی شدن - زمانه‌ای که در آن جوامع و فرهنگ‌ها به طور فزاینده‌ای دارای وابستگی متقابل هستند و یکدیگر را تحت تاثیر قرار می‌دهند - است، چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ در چنین شرایطی نظریه سیاسی باید در این سوال انعکاس

نخست مایلم از عباس منوچهری به دلیل دعوتی که از من برای شرکت در بحث امروز به عمل آورد، تشکر کنم. آن طور که متوجه شدم، نشست امروز ما درباره موضوعی خطیر است: ارتباط میان اندیشه سیاسی یا فلسفه سیاسی با گفت‌وگوی تمدن‌ها. این ارتباط و اهمیت آن، به واسطه بستری است که ما خود را در آن می‌یابیم: بستر جهانی شدن، بستری که به طور هم‌زمان شامل جهانی شدن ترور و ترور متقابل نیز هست و عمیق‌تر شدن آنچه جنگ‌های ترور خوانده می‌شود، در شرایطی پایدار قرار دارد. به نظر من انعکاس توسعه یافتگی‌های معاصر در اندیشه سیاسی یا فلسفه سیاسی، موضوعی برجسته است. مطمئناً نظریه سیاسی از سنتی قدیمی و والا برخوردار است و نظریه‌پردازان سیاسی نیز بر به یادسپاری این سنت، توصیه اکید کرده‌اند. با این همه، بدون امکان دسترسی به نظریه‌پردازی به منظور انعکاس تغییرات زمان و مکان، میراث اندیشه سیاسی به مثابه تجسد در قالب اشیای موزه‌ای و آثار باستانی خواهد بود که فاقد هرگونه درسی برای اکنون و آینده است. بنابراین این تلاش نظریه‌پردازان سیاسی را که در این‌جا دور هم جمع شده‌اند تا به موضوعات داغ زمان ما بپردازند، ارج می‌نهم.

اجازه دهید اندکی درباره آنچه من درباره نظریه سیاسی در زمانه کنونی می‌خوانم، سخن بگویم، نظریه سیاسی یا فلسفه‌ای که متناسب با نیازهای زمانه ما باشد. اما بهتر است ابتدا چند کلمه‌ای درباره چیستی نظریه سیاسی یا فلسفه گفته شود. با فلسفه شروع می‌کنم. آن طور که من می‌فهمم، فلسفه عشق به خرد است.^۱ به معنای عشق ورزیدن به نوع خاصی از زندگی است که انعکاسی بخردانه و محتاطانه محسوب می‌شود. بنابراین فلسفه نوع خاصی از زیست انعکاسی است که به معنای بیداری

در زمانه ما، با توجه به این که نظریه سیاسی یا فلسفه سیاسی به یکدیگر مربوطند، باید راه صحیح با هم زیستن در جامعه جهانی را بیابیم

اسلام، باید نظریه سیاسی آسیایی، نظریه سیاسی آفریقایی و نظریه سیاسی آمریکای لاتین را نیز شامل شود و هیچ کدام از این صداها در آن، هژمونیک و یا برجسته‌تر از سایرین نباشند. در این شرایط هر سمت و هر صدایی باید به صدای دیگری گوش فرا دهد و تلاش کند با دیگران به محاجه درباره این سوال بپردازد که عدالت چیست؟ راه عادلانه‌ای که برای ما جهت با هم زیستن در جهان مشترک‌مان وجود دارد، چیست؟ بنابراین گفت‌وگوی تمدن‌ها یک سوال حاشیه‌ای در نظریه سیاسی نیست، بلکه "مشخصاً" سوال نظریه سیاسی امروز است.

فلسفه توجه به اندیشیدن درباره زیست ماست، این که چگونه زندگی می‌کنیم و چگونه باید زندگی کنیم. فلسفه سیاسی کوششی برای انعکاس و تفکر درباره زندگی جمعی و چگونگی آن است. سخن من این است، در عصر جهانی شدن، تنها راه برای انعکاس با هم زیستن‌مان در یک جامعه جهانی از راه گفت‌وگو و فرایند یادگیری متقابل است نه از طریق غلبه و استثمار. برای من این ایده گفت‌وگو معمار سازه است که از سنت دیرینه هرمنوتیک می‌آید. از یک زاویه خاص، گفت‌وگو یک وضعیت انسانی است و نه فقط صحبت درباره روش گفت‌وگوی یک نفر با دیگری. این بودن من در جهان است که مرا به گفت‌وگو می‌کشاند. من بدون این که در معرض گفت‌وگو با دیگران قرار گیرم، نخواهم دانست چه کسی هستم. این نحوه بودن ما در جهان است. شعر معروفی از شاعر آلمانی، هولدرلین هست که می‌گوید: ما، به عنوان انسان، گفت‌وگو هستیم. ما گفت‌وگو را نمی‌سازیم، ما گفت‌وگو هستیم. برای من گفت‌وگوی تمدن‌ها و نظریه سیاسی ارتباطی معنادار دارند. این دو غیر قابل انفکاکند. آرزو می‌کنم این نظرات، زمینه آغاز بحث ما را فراهم آورد.

باید که ما چگونه می‌توانیم در جامعه جهانی با یکدیگر در مسیری عادلانه و قابل دفاع - مسیری غیرظالمانه و غیراستثماری- زندگی کنیم؟ اگر این مسأله‌ای حیاتی باشد، سوال ما این است که چگونه می‌توانیم معنایی برای عدالت بیابیم که برای اجتماعی گسترده‌تر، یک اجتماع جهانی و یا یک اجتماع چند فرهنگی، قابل پذیرش باشد؟

در این راستا پاسخ‌های گوناگونی پیشنهاد شده است. برخی بر این اعتقادند که ما نیازمند قبول معنایی جهانی از عدالت هستیم که انسان‌ها در سراسر جهان آن را پذیرفته باشند، به نوعی یک اعلام جهانی مفاهیم برای مفاهیم اخلاقی. این همان چیزی است که به آن "جهان‌گرایی" گفته می‌شود. در سوی دیگر کسانی بر این باورند که ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم موافق با استانداردهای جهانی رفتار کنیم. ما باید خود را به استانداردهایی محدود کنیم که توسعه آن‌ها به طور تاریخی در یک اجتماع فرهنگی یا تمدنی رخ داده است چیزی که غالباً "نسبی‌گرایی" خوانده می‌شود. در حال حاضر، من به طور شخصی طرفدار این نوع جهان‌گرایی نیستم که استانداردهای جهانی را از بالا به پایین تدوین کرده و به عبارت دیگر، نوع هرمنوتیک جهان‌گرایی است که در آن یک فرهنگ یا سنت خاص، تعریف مفهوم عدالت را برای سایر نقاط جهان در انحصار خود می‌گیرد. همچنین طرفدار نسبی‌گرایی نیستم که در آن هر فرهنگی خود بسنده است و توجهی به سایر فرهنگ‌ها ندارد و از یادگیری سایر سنت‌ها و تمدن‌ها احساس استغنا می‌کند. این دوگانه مرا مستقیماً به گفت‌وگوی تمدن‌ها می‌کشاند.

در زمانه ما، با توجه به این که نظریه سیاسی یا فلسفه سیاسی به یکدیگر مربوطند، باید راه صحیح با هم زیستن در جامعه جهانی را بیابیم. باور من این است که با هم زیستن در جامعه جهانی تنها از طریق گفت‌وگوی متقابلی ممکن می‌شود که در آن همه مشارکت‌کنندگان به دنبال یادگیری از یکدیگر باشند. این به آن معناست که نظریه سیاسی دیگر نمی‌تواند به طور تمام و کمال یک حق انحصاری غربی باشد، بلکه نظریه سیاسی